

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۱ - شماره پیاپی ۱۵

## معرفی کتاب «هدایت نامه» و برخی ویژگیهای آن

(ص ۳۱۲ - ۲۹۳)

جمشید مظاهری (سروشیار)<sup>۱</sup>، محسن محمدی فشارکی<sup>۲</sup>، طاهره کاکویی ورنوسفادرانی (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

### چکیده:

ملاً ادهم قرشی خلخالی فرزند قاضی بیگ خلخالی مشهور به «واعظ» و متخلص به «عزلی» از نویسندگان و شاعران و واعظان شیعی مذهب قرن یازدهم هجری است. وی ایام جوانی را در اصفهان به تحصیل علوم اشتغال داشته و از محضر شیخ بهایی کسب علوم کرده است. ادهم در موضوعات گوناگون اخلاق، عرفان، اصول عقاید امامیه، پند و اندرز و مکاتیب به تعداد بیش از سی اثر سخن پردازی کرده است. اما تاکنون تحقیق جامعی درباره وی و آثارش صورت نگرفته است. یکی از آثار وی که تاکنون چاپ و معرفی نشده «هدایت نامه» میباشد که در فهرست نسخ خطی به اشتباه «سفینه الملوک» نیز نامیده شده است.

«هدایت نامه» به نثر آمیخته به نظم، در سال ۱۰۳۶ ه.ق در یکصد و چهارده فصل به شماره سوره های قرآن نگاشته شده که در هر فصل به بیان آیه‌ای از یک سوره قرآن و به نقل احادیث، اقوال عرفانی، حکایات و اشعار متناسب با آن آیه پرداخته است. بدین ترتیب این اثر از جنبه های گوناگون شایان اهمیت فراوان است که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### کلمات کلیدی:

ادهم خلخالی، واعظ، عزلی، هدایت نامه، سفینه السلوک.

۱ - استادیار دانشگاه اصفهان

۲ - استادیار دانشگاه اصفهان

۳ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی tkakouie@yahoo.com

### مقدمه:

در عهد صفویه مذهب تازه رواج یافته شیعه احتیاج به کتابهای اصول این مذهب (انواع تفسیر قرآن، شرح برنهیج البلاغه، فقه و غیره) به زبان فارسی ساده داشت تا برای عموم قابل استفاده باشد. از این رو تألیف کتابهای مذهبی در این دوره رواج یافت .  
در این عصر، کتب اخلاقی نیز اگر تألیف میشد، معمولاً رنگ مذهبی شیعه داشت و از این راه کتابهایی به وسیله محدثان و فقیهان شیعی به زبان فارسی در ذکر مکارم اخلاق، همراه با تعلیمات دینی و ممزوج به احادیث و روایات که از پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) نقل شده است بوجود آمد . (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵: صص ۱۴۸۴-۱۴۸۲)

**هدایت نامه** نام یکی از این کتب تفسیری - اخلاقی شیعه به زبان فارسی است که به قلم توانای عارف، واعظ، نویسنده و شاعر شیعی مذهب دوران صفوی **ملا ادهم خلخالی** تألیف شده است .

ادهم خلخالی آثار فراوانی در موضوعات گوناگون چون تفسیر، اخلاق، اصول عقاید امامیه، مباحث عرفانی، پندواندرز و مکاتیب به نظم و نثر از خود بر جای گذاشته است<sup>۱</sup>، اما تا کنون تحقیق جامعی در مورد وی و آثارش صورت نگرفته است . از اشاره مؤلف به این مطلب که تا سن **ثلثین**<sup>۲</sup> یازده کتاب و رساله تألیف نموده است، میتوان به جامعیت علمی و دانش وی پی برد و شگفتا مردی با این تألیفات گسترده و خدمات ارزنده علمی و تحصیل در دامن بزرگوارانی چون شیخ بهایی، در عرصه تاریخ و شرح زندگی مهجور مانده و اطلاعات تاریخی بسیار اندکی از او به ما رسیده است .

۱ - آثار وی عبارتند از: اربعین، اعتقادات، بهارستان، تذکره السالکین، تفسیر سوره فاتحه، چرب و شیرین، خزاین النصایح، دیوان اشعار، ذکریه الهیه، رساله عرفانی، سبحات الانوار فی تذکره الابرار، سراج منیر، سفینه السلوک، شیر و شکر، شوقیه ذوقیه، صحایف الوداد و مکاتیب الاتحاد، فتحیه، فقریه فخریه، فوائد المواعظ و منافع النصایح، قمریه، قنبر نامه یا هشت بهشت، کدو مطبخ قلندری، کنز المعارف، لطایف المواقف، لوازم الدین، محیی الاموات، مثنوی، مثنوی در سلوک و اخلاق، مخاطبه النفس، مشرق التوحید، مصباح المشکاه، معیار العمر و العمل، مفاتیح الجنان، مناجات، هدایت نامه . (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۶: صص ۳۱۵، ۴۳۷، ۴۹۶، ۶۱۱، ۶۱۸، ۵۹۹، ۵۸۲، ۵۵۹، ۵۱۴، ج ۹: صص ۱۱۷، ۷۹؛ ج ۱۰: صص ۱۲۵، ۳۷۳، ج ۷: صص ۴۸۵، ۷۲۷، ۷۴۴، ۷۳۶، ۷۱۳، ۶۲۰، ۳۹۶، ۳۷۰، ج ۸: صص ۸۸۴، ۹۷۸، ج ۹: صص ۵۰۰)؛ (هدایت نامه، نسخه خطی کتابخانه عبدالحمید مولوی: گ ۳)؛

۲ - خود ادهم در برگهای آغازین نسخه سفینه السلوک (هدایت نامه، نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی: گ ۳) آثاری را که قبل از این اثر نگاشته بدین گونه نام می برد :

«... چون این بی بضاعت قلیل استطاعت خادم اولیا و محب العلم ادهم تقریسی الواعظ الخخالی تا به سن ثلثین یازده رساله و کتاب، کتاب اول قمریه (؟)، دوم محو الموات، سیم حرب اشترین (؟)، چهارم کنز المعارف (؟)، پنجم مفتاح الجنان، ششم تذکرت السالکین، هفتم فقر فخریه، هشتم نوفیه درودیه (؟)، نهم کدو مطبخ قل ندای (؟)، دهم متحیه (؟)، یازدهم هدایت نامه نافع مفیده، خواست که مجموعه دیگر .... جمع کند و آن را سفینه السلوک نامد ....»

کاملترین تحقیق در زمینه معرفی آثار ادهم را شادروان عزیز دولت آبادی در کتاب ارزشمند خود، سخنوران آذربایجان بعمل آورده که در ذیل شعرای منطقه خلخال نام و آثار وی را آورده است (سخنوران آذربایجان، دولت آبادی:ص ۸۱۶) و دیگری دکتر احمد مجاهد در مقدمه کتاب کدومطبخ قلندری اثر ملّا ادهم خلخالی، نام آثار وی را آورده است. (مقدمه کدو مطبخ قلندری، تصحیح مجاهد: ص شانزده و هفده)

هدایت نامه یکی از آثار اوست، که مطابق بررسی فهرستهای کتب چاپی (کتابهای چاپی فارسی، مشار) و فهرست مقالات فارسی (فهرست مقالات فارسی، افشار)، تا کنون چاپ نشده و حتی یک مقاله در معرفی آن نوشته نشده است و ما در این مقاله قصد داریم آن را معرفی و جنبه های اهمیت آن را بیان کنیم، این اثر به نثر آمیخته به نظم، در سال ۱۰۳۶ ه.ق، در یکصد و چهارده فصل به شماره سوره های مبارک قرآن تألیف شده است. در معرفی این اثر، فهرست نگاران نسخ خطی دچار اشتباهاتی شده اند که در مباحث بعدی بدان خواهیم پرداخت.

در آغاز اشاره کوتاهی به شرح حال مؤلف ناگزیر مینماید:

**ملّا ادهم قرشی خلخالی** فرزند قاضی بیگ خلخالی، مشهور به **واعظ** و متخلص به **عزلتی** از واعظین مشهور آذربایجان و از نویسندگان و شاعران شیعی مذهب قرن یازدهم هجری قمری است. از سال تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست. در برخی از تذکره ها از جمله سخنوران آذربایجان (سخنوران آذربایجان، دولت آبادی:ص ۸۱۶) و به پیروی از آن در تاریخ تذکره های فارسی (تاریخ تذکره های فارسی، گلچین معانی، ج ۱:ص ۶۲۱) وی از شاعران نیمه دوم قرن یازدهم هجری دانسته شده است. اما اگر قول صاحب قصص الخاقانی<sup>۱</sup> را که قدیمی ترین مأخذ در شرح حال ادهم و هم عصر وی نیز هست، بپذیریم که سال وفات ادهم را ۱۰۵۲ ه.ق دانسته است (قصص الخاقانی، شاملوی هروی، تصحیح سادات ناصری، ج ۲:ص ۷۷)، باید وی را از شاعران و نویسندگان نیمه اول قرن یازدهم هجری قلمداد کنیم. با بررسی آثار خود ادهم، از جمله هدایت نامه که بنابر قول خود مؤلف در سال ۱۰۳۶ ه.ق تألیف شده (هدایت نامه، نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی: گ ۱۹۲ ر و نسخه کتابخانه ملّی ملک: گ ۱۶۱ ب.)، نیز چنین بر می آید که وی در نیمه اول قرن یازدهم هجری میزیسته است، نه در نیمه دوم این قرن.

۱ - قصص الخاقانی تألیف ولی قلی بیگ شاملوی هروی است که تاریخ صفویه را تا سال ۱۰۸۵ ه.ق ثبت کرده است.

ادهم خلخالی ایام جوانی را در اصفهان به تحصیل علوم اشتغال داشته است و از محضر عالمان مشهور این دیار همچون شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهایی<sup>۱</sup> (م ۱۰۳۱ ه.ق) بهره‌های فراوان برده و در مدرسه جعفریه اصفهان و مدرسه لطف‌الله شیراز<sup>۲</sup> و در شهر تبریز، کسب علوم و معارف کرده است.

### معرفی نسخه‌ها :

مطابق بررسی فهرستهای نسخ خطی فارسی (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۲: ص ۱۶۳۳)، از این اثر دو نسخه موجود است که در اینجا عین مطالب این فهرست را در بیان مختصات این دو نسخه می‌آوریم :

۱. نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی (در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد): به شماره ۲۴۹، سفینه الملوک (یا هدایت نامه)، در مواظ و اخلاق، به نثر و نظم، از ملا ادهم خلخالی. به خط نستعلیق محمد صفی اصفهانی، در سال ۱۰۶۶ ه.ق و در ۱۸۹ برگ ۱۸ سطری، قطع رحلی، جلد تیماجی مشککی. آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم الهی چندانکه تو دانایی ما نادانیم<sup>۳</sup>، پایان: «...ختم شد والله اعلم بالصواب»؛

۱ - با وجود اینکه در شاگردی مستقیم ادهم در محضر شیخ بهایی تردید وجود دارد و خود ادهم در آثارش به این مطلب اشاره ای نکرده است، اما وی در سیحه سی و چهارم از سیحات الانوار (ص ۸۵) (رسائل فارسی ادهم خلخالی، تصحیح نورانی، ج ۱: ص ۳۰۶) آورده: «در بیان وجوب رعایت اخوان و خلآن و یاران و عزیزان» قبل از همه با احترام بسیار از شیخ بهایی یاد کرده به بیان رابطه روحانی خود با وی پرداخته و می‌گوید: «در عالم واقعه به اعتبار روحانیت امداد بسیار و اعانت بی شمار و نور بی حد و فلاح بی عذ به وساطت روح مطهر او به فقیر رسیده است خواه در حال حیاتش و خواه بعد وفاتش». و این قول ادهم نشان می‌دهد که از گرایشات عرفانی شیخ بهایی بسیار متأثر بوده است. و از طرفی نیز در طی نقل مطلبی در کدو مطبخ قلندری (کدو مطبخ قلندری، ادهم خلخالی: ص ۱۳) می‌خوانیم: «...و شیخ المله والدین و خاتم المجتهدین، بهاء الدین محمد - رحمه الله علیه - از پدرش، که وی نیز مجتهد بود نقل می‌کرد که...»، و ضمن بیان مطلب، در ادامه نیز مطلبی دیگر از زبان ایشان با عبارت «آن کامل گفت ...» نقل می‌کند، عبارات «نقل می‌کرد» و «آن کامل گفت»، شاید مبین این مطلب باشد که وی در مجالس درس شیخ بهایی حضور داشته و خود این مطالب را مستقیماً از وی شنیده است.

۲ - ادهم خود در نامه سی و پنجم از صحایف الوداد و مکاتیب الاتحاد خود (منشآت) که به یکی از دوستان خود به نام محمد مقیم مشهدی نوشته است، ضمن بیان احوال شخصی خود از مدرسه جعفریه اصفهان نام می‌برد که در آنجا به درد قولنج مبتلا شده است و نیز از مدرسه لطف‌الله شیراز نام می‌برد. مؤلف دانشمند کتاب آثار ملی اصفهان، به نقل از فهرست مدرسه سپهسالار (ج ۲، ص ۴۲) می‌گوید: این مدرسه در اصفهان در قرن یازدهم دایر بوده است، مدرسه مزبور بزرگ و ... در جنب بقعه جعفریه (سید جعفر معروف به امامزاده جعفر) قرار داشته است ولی در قرن اخیر مجاوران، آن مدرسه را به عنوان خانه تصاحب کرده‌اند. (اصفهان دارالعلم شرقی، مهدوی: ص ۹۸)، از مدرسه لطف‌الله شیراز اطلاعی بدست نیامد، جز اینکه در این مدرسه کتابی با نام حاشیه ارشاد الاذهان (در فقه) در سال ۱۰۲۳ ه.ق، کتابت شده است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران، استادی: صص ۱۰۳-۱۰۱)

۳ - نسخه دستنویس هدایت نامه کتابخانه عبدالحمید مولوی (د) از آغاز تا برگ شماره (۶۶)، شامل نسخه کتاب سفینه السلوک اثر خود ادهم است که اشتهاها با هدایت نامه یکی دانسته شده و ضمیمه نسخه هدایت نامه گردیده است.

۲. نسخه کتابخانه ملی ملک : به شماره ۴۶۶۸ ، هدایت نامه یا سفینه الملوک ، از ادهم واعظ قرشی خلخالی ، در اخلاق و تاریخ مذهبی ، به نثر و نظم ، در یکصد و چهارده فصل به شماره سوره های قرآن و در آغاز هر فصلی یک آیت است . ساخته در ۱۰۳۶ ه.ق ، به خط نستعلیق محمد تقی در ۱۰ محرم سال ۱۰۷۲ ه.ق ، عنوان و نشان شنگرف ، در ۱۴۵ برگ ۱۴ سطری در قطع ۱۸/۳\*۲۵ ، کاغذ ترمه ، جلد میشن سیاه . آغاز : «به نام آنکه جان جان جانست...» ، پایان : «...ختم شد والله اعلم بالصواب» .

### اشتباهات فهرست نگاران نسخ خطی و منابع دیگر در معرفی هدایت نامه :

ادهم خلخالی در برگهای آغازین نسخه سفینه السلوک (که برگهایی از آن ضمیمه نسخه هدایت نامه کتابخانه عبدالحمید مولوی است) ، همانگونه که قبلاً اشاره شد ، آثار خود را بر می شمارد و در آنجا می گوید : «...یازدهم هدایت نامه نافع مفیده ... خواست که مجموعه دیگر مشتمل بر انواع تحقیقات و نکات و رموز و اشارات بود جمع کند و آن را سفینه السلوک نامد تا عدد آن یازده درج و جوامع و رسایل که بروج نجوم هدایت اند دوازده گردد و آنچه از نصایح و حقایق و دقایق که در آنها مرقوم نگشته بود در این مسطور گردد، این چند کلمه را جهت مطالعه یاران و نظاره دوستان تسوید و تحریر نمود...» . (هدایت نامه ، نسخه کتابخانه عبدالحمیدمولوی : گ ۳ر)

از این گفته ادهم میتوان به چند اشتباه مهم فهرست نگاران و تذکره ها در معرفی این اثر پی برد :

۱. از عبارت مجموعه دیگر در سخن مؤلف ، مشخص میگردد که سفینه السلوک اثری جدا از هدایت نامه است ، نه آنگونه که فهرست نگاران هدایت نامه و سفینه السلوک را دو نام از یک اثر ادهم دانسته اند . (فهرست نسخه های خطی فارسی ، منزوی، ج ۲: ۱۶۳۳) و (سخنوران آذربایجان ، دولت آبادی، ص ۸۱۶)

توضیح مطلب اینکه این اثر در فهرستهای نسخ خطی از جمله در فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی ، هدایت نامه یا سفینه الملوک نامیده شده است (فهرستواره کتابهای فارسی ، منزوی، ج ۲: ص ۱۶۳۳) ؛ با بررسی نسخه های خطی این اثر معلوم گردید که نام این کتاب ، همانگونه که خود مؤلف نیز در مقدمه این اثر آورده ، هدایت نامه است و سفینه السلوک نام اثر منشور دیگری از همین مؤلف است که متأسفانه از آن جز چند برگ باقی نمانده است و این اشتباه شاید از اینجا ناشی شده باشد که این چند برگ باقی مانده از نسخه سفینه السلوک ، ضمیمه یکی از نسخه های هدایت نامه (نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی) گردیده است ، اما باید توجه کرد که نسخه دیگر هدایت نامه (نسخه کتابخانه ملی

ملک) فاقد این چند برگ (سفینه السلوک) است و این ضمیمه از نظر نوع خط، تعداد سطور در صفحه، موضوع و سبک نگارش با هدایت نامه تفاوت دارد. ۲. گفته ادهم در بالا بیانگر این است که این اثر که ضمیمه یکی از نسخه‌های هدایت نامه گردیده، سفینه السلوک است نه سفینه الملوک، آنگونه که در فهرست نسخه‌های خطی فارسی و نیز در سایر منابع مربوط به آثار ادهم آمده است.

### تألیف یا نگارش:

همانگونه که خود ادهم میگوید: «...اما این رساله ایست مسمی به هدایت نامه مشتمله صد و چهارده فصل... که این خاکسار بی بضاعت و بی مقدار قلیل استطاعت داعی راسخین و محب فقرای... جهت عامه مؤمنان از سالکان و غیر آن جمع کرد و ترتیب نمود تا مگر فرقه از ایشان از آن فیضی برند و نفعی گیرند و پندی پذیرند...» (هدایت نامه، نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی، گ: ۳) وی جمع‌کننده و ترتیب‌دهنده اقوال دیگران بوده است و این مطلب اثر او را بیشتر به تألیف نزدیک میسازد. در واقع بخش اعظم مطالب هدایت نامه را آیات، روایات، اقوال عرفانی و سخنان بزرگان دین و عرفان تشکیل میدهد که ادهم آنها را به مناسبت هر موضوع نقل کرده و در کنار هم قرار داده است و خود وی در نگارش آنها نقش کمتری داشته است.

### هدف از تألیف:

از گفته خود ادهم که در بالا اشاره شد و آنگونه که از نام کتاب یعنی هدایت نامه بر می‌آید، هدف وی از تألیف این اثر، به مقتضای پیشه وعظ و شهرت وی یعنی واعظ، پند و وعظ و هدایت عامه مومنان بوده است.

### ختم تألیف:

سال ختم تألیف هدایت نامه را ادهم در پایان کتاب در بیت بدین گونه بیان کرده است: بد هزارو سی و شش آن کاین کتاب ختم شد والله اعلم بالصواب (همان: گ: ۱۹۲)

### کیفیت تدوین کتاب :

روش کار ادهم در کتاب هدایت نامه- همانگونه که خود مؤلف نیز در مقدمه این اثر شرح کرده است<sup>۱</sup>- بدین گونه است که در آغاز هر فصل ، آیه ای از قرآن کریم آورده است : فصل اول آیه ای از سوره اول قرآن ، فصل دوم آیه ای از سوره دوم و... همین ترتیب را تا آخر کتاب که شامل یکصد و چهارده فصل است ، ادامه داده است . این روش گزینش آیات ، قبل از «هدایت نامه» در هیچ کتاب تفسیری به کار نرفته و می توان آن را اثر ذوق و ابتکار خود ادهم دانست . بعد از ترجمه آیه مورد نظر به فارسی ، به نقل احادیث و روایات ، اقوال عرفانی، حکایات، مواعظ و اشعار متناسب با موضوع آن آیه پرداخته است ، بدین ترتیب این اثر از جنبه های گوناگون ، شایان توجه و دارای ارزش فراوان است .

بخشهای مختلف کتاب با عنوان فصل آمده است و به غیر از فصل اول و فصل دوم که آغاز فصول مشخص نشده است ، بقیه فصول با شماره و عنوان در نسخه مشخص شده اند . همچنین احادیث و روایات متن با عناوین مختلف آمده است، برای نمونه : «مرویست که...»، «در خبر است که...» و در بعضی موارد «گفت» یا «می گوید» یا «در تفاسیر مرقوم است» .

اشعار متن در پایان فصول و نیز تک بیتهای درون متن بدون عنوان و بدون نام گوینده آمده است. اما در بعضی موارد با عنوان «نظم» یا «بیت» آمده است و اشعار مثنوی مولانا در چند مورد با عنوان «للمولوی» و اشعار حدیقه سنایی در چند مورد با عنوان «للحکیم الغزنوی» آمده است در بقیه موارد نام سراینده اشعار بیان نشده است .

ابیات عربی متن نیز که به چند بیت محدود می گردد به استثنای یک مورد که به شعری از امیرالمؤمنین علی -علیه السلام- استناد کرده (همان:گ ۱۶۷پ) ، بدون عنوان و بدون نام سراینده آورده شده است.

### حجم فصول :

حجم فصول این اثر نیز با هم متفاوت است و از آنجا که این اثر بر اساس سوره های قرآن ترتیب یافته و حجم سوره های پایانی از سوره های آغازین کمتر است ، حجم فصول پایانی این کتاب نیز نسبت به فصول آغازین کمتر است و ادهم در بعضی فصول مخصوصاً فصول پایانی فقط به بیان ترجمه ، شأن نزول و اختلاف تفاسیر آیه مورد نظر پرداخته و از

۱ - ادهم کیفیت تدوین هدایت نامه را در آغاز این اثر اینگونه شرح کرده است : «اما بعد این رساله ایست مسمی به هدایت نامه مشتمله صد و چهارده فصل به عدد صد و چهارده سوره قرآن و... که رعایت ترتیب بین الفصول مرعی شده است : اول از سوره اول و دوم از سوره دوم و سوم از سوره سیم ، همچنین تا آخر...» (هدایت نامه ، نسخه کتابخانه ملی ملک:گ ۳پ)

خود هیچ مطلبی نیاورده است. اما در بعضی از فصول، مخصوصاً در تفاسیر آیاتی که بیشتر رنگ عرفانی و حکمی دارند مطلب را طول و تفصیل داده و خود ادهم در این موارد نقش پر رنگتری از خود به جا گذاشته است.

### بخشهای هر فصل:

هر فصل هدایت نامه را میتوان شامل چندین بخش دانست، هر چند ترتیب این بخشها در همه فصول رعایت نشده است:

**بخش نخست** هر فصل، بعد از آوردن یک یا چند آیه به ترجمه آن پرداخته است. این ترجمه، در اکثر موارد ترجمه آزاد است بدینگونه که در بین ترجمه یک آیه گاه به مباحث لغوی و بیان معنی لغت پرداخته و گاه شأن نزول آیه و تفاسیر مختلف در مورد آن را در بین ترجمه آورده است. حتی گاهی در ترجمه یک آیه، به آیه دیگر از قرآن استناد کرده است. به عنوان مثال در ترجمه آیات سوره فلق می‌گوید:

«قَوْلُهُ تَعَالَى: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ بگو ای محمد پناه می‌گیرم به آفریدگار صبح و گفته اند که فلق چیز است که شکافته شود چون دانه... چون میوه جهت رستن نبات و اشجار مانند سنگ و زمین جهت بیرون آمدن نباتات یا زندانیست در دوزخ و در حقیقت به قرینه الم نشرح لک صدرک مراد از فلق سینه بی‌کینه و دل منور محمدیست که مطلع صبح سعادت ازلی و مشرق آفتاب هدایت لم یزلیست و زداینده شب غفلت و پرورنده او را در و اخضر گلشن معرفت و محبت است.» (همان:گ:۱۸۶)

**بخش دوم** هر فصل، به تفسیر آیه مورد نظر پرداخته و برای این کار از امتهات کتب تفسیری ما قبل خود اعم از تفاسیر شیعه و اهل سنت بهره برده است و اقوال تفسیری آنها را نقل کرده است، برای نمونه از تفاسیر اهل سنت میتوان از تفسیر طبری (م: ۳۰۱ق)، تفسیر سوراآبادی (م: ۴۹۴ق)، کشف الاسرار میبیدی (م: ۵۲۰ق)، کشف زمخشری (م: ۵۳۸ق)، معالم التنزیل بغوی (م: ۵۱۰ق)، لباب التأویل (خازن) (م: ۷۲۵ق)، زاد المسیر ابن جوزی (م: ۵۹۷ق)، تفسیر کبیر فخر رازی (م: ۶۰۶ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل قاضی بیضاوی (م: ۶۸۵ق)، بحر الحقایق نجم الدین رازی (م: ۶۵۴ق) و تفسیر خواجه پارسا (م: ۸۲۲ق)، نام برد و از تفاسیر شیعه می‌توان به تفاسیری چون التبیان شیخ طوسی (م: ۴۶۰ق)، روض الجنان ابوالفتوح رازی (م: ۵۵۶ق)، منهج الصادقین ملا فتح الله کاشانی (م: ۹۸۸ق) اشاره نمود، که ادهم در بیشتر موارد، مستقیماً با ذکر منبع از آنها نقل مطلب نموده است، نمونه تفسیر:

«صاحب تأویلات فرموده که کوثر معرفت کثرت است به وحدت و شهود وحدت در عین کثرت و این نهریست در بوستان معرفت که هر که از او سیراب شد ابداً از تشنگی جهالت ایمن است و این معنی خاصه حضرت رسالت است- صلی الله علیه و آله و سلم- واکمل اولیاء امت او.» (همان:گ:۱۸۱)

**بخش سوم** هر فصل ، ادهم احادیث و روایات مربوط به موضوع آیه مورد نظر را نقل نموده است و در این بخش بیشتر به روایات شیعه نظر داشته تا روایات اهل سنت . و در سرتاسر اثر به نقل از روایات و اخبار ائمه معصومین علیهم السلام پرداخته است . یکی از جنبه های اهمیت این اثر جانبداری از مذهب تشیع و تأکید ادهم بر لزوم متابعت از ائمه هدی- علیهم السلام- و ارادت نسبت به امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام- و اهل بیت پیامبر اسلام - علیهم السلام- است . مخصوصاً در بیان فضایل و مناقب مولای متقیان حضرت علی - علیه السلام- سخن پردازی کرده و فصلی از هدایت نامه را به این موضوع اختصاص داده است . وی در نقل احادیث بیشتر به کتب اربعه شیعه به خصوص کافی و آثار شیخ صدوق همچون امالی و اکمال الدین و اتمام النعمه نظر داشته است . همچنین از مجموعه ورام (در حدیث) ، جامع الاخبار ، عده الداعی ، اربعین شیخ بهایی بهره برده است . و متأسفانه در نقل این احادیث گاه منقولات سست و بی پایه ، به این اثر گرانبها راه یافته است<sup>۱</sup> . به عنوان نمونه در هدایت نامه میخوانیم :

« در خبرست که پیغمبر- صلی الله علیه و آله - گفت که : هر که یاری کند بی‌نمازی را به خرقه‌ای یا لقمه‌ای ، چنان باشد که هفتاد بار کعبه را خراب کرده باشد و هفتاد پیغمبر را کشته باشد که اول ایشان آدم باشد و آخر ایشان محمد ...» . (همان:گ:۶۵)

حدیث حاضر بدین صورت در منابع حدیثی یافت نشد ، فقط در کتاب جامع الاخبار که متأسفانه نه مؤلف آن بدرستی شناخته شده و نه محتوای آن از اخبار تردید آمیز تهی است، روایت عربی آن آمده است . (جامع الاخبار: ص ۸۷) و چون جامع الاخبار از کتابهای متداول میان واعظان و خطیبان و گویندگان مذهبی بوده است این روایت در آثار ادهم خلخالی راه یافته و ادهم با آنکه از دانش آموختگان مکتب بزرگانی چون شیخ بهایی بوده و خود در اردبیل مدرس و در آذربایجان واعظ بوده است به فساد آن تفتن نیافته است.

۱- نویسنده دانشمند تاریخ ادبیات در ایران می گوید : « باز گفتن خبرهای سست و مجعول ، باز بستن بسیاری از حکمتها و پندهای پیشین به پیشوایان دین و ... در این دوره ( صفویه ) هم مانند روزگاران گذشته رواج داشت .» (تاریخ ادبیات در ایران ، صفا، ج۱/۵: ص

در این بخش از هدایت نامه عبارات کتب آسمانی تورات و انجیل و نیز احادیث قدسی نیز آمده است. به عنوان نمونه:

«عیسی علیه السلام گفتی یا حواریان دعا کنید که خدای تعالی جان‌کندن بر من آسان کند که چندان از مرگ میترسم که از بیم مرگ نزدیک است که بمیرم ... گروهی از بنی اسرائیل با عیسی-علیه‌السلام- به گورستان بگذشتند و دعا کردند تا حق تعالی یکی را زنده کرد و برخاست و گفت ای مردمان چه میخواستید از من که پنجاه سال است که مرده‌ام و هنوز تلخی جان‌کندن با من است و چون موسی-علیه‌السلام- را وفات فرا رسید حق تعالی با او گفت خویشتن را در مرگ چون یافتی گفت چون مرغی زنده که بریان کنند نه بتواند پرید و نه بمیرد که تا برهد» (هدایت نامه، نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی: گ ۱۴۲)

بخش چهارم هر فصل، ادهم به بیان اقوال و حکایات عرفا و حکما و داستان پیامبران در رابطه با موضوع آیه مورد نظر پرداخته و به اقوال مشایخ متصوفه همانند ابراهیم ادهم، سَری سقطی، بایزید بسطامی، سهل ابن عبدالله تستری، جنید بغدادی، ابوبکر واسطی و ابوسعید خراسانی استناد کرده و از کتب عرفانی گذشتگان نظیر قوت القلوب ابوطالب مکی، ترجمه رساله قشیریّه، حقایق التفسیر ابو عبدالرحمن سلمی، رسایل خواجه عبدالله انصاری، ترجمه احیاء العلوم الذین غزّالی، بحرالحقایق (تاویلات نجمیه)، تذکره الاولیاء عطار، فتوحات مکیه ابن عربی، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح سمعانی و رسایل شاه قاسم انوار، یا از کتب هم عصران خود نظیر کشکول شیخ بهایی با ذکر منبع یا بدون ذکر منبع با عبارت «گفته اند...» یا «یکی از بزرگان فرموده...» نقل مطلب نموده است. برای نمونه:

«یکی از بزرگان میگوید که چون بنده خدایی گرسنه شود بدنش پاک شود و وجودش صاف گردد و دلش رقیق و رحیم شود و اشکش ریزان گردد و به سوی طاعت شتاب نماید و ابراهیم ادهم میگوید هر که شرف دنیا و آخرت خواهد باید که هفت چیز را بر هفت چیز اختیار کند اول درویشی بر توانگری دوم گرسنگی را بر سیری سیم پستی را بر بلندی چهارم ذلت را بر عزت پنجم تواضع را بر تکبر ششم اندوه را به شادی هفتم مرگ را به زندگی این همه که شنیدی به برکت صبر بر این مذکورات بود» (همان: گ ۱۷۲ پ)

بخش پنجم هر فصل، ادهم با خطاب «ای عزیز...» به بیان نتیجه‌گیری اخلاقی پرداخته و مخاطبان خود را به زهد و پرهیزکاری و ترک دنیا فراخوانده است. این قسمت را شاید بتوان مهمترین بخش هر فصل دانست به دلیل اینکه ادهم بیشتر به بیان افکار و عقاید خود پرداخته و کمتر از اقوال دیگران استفاده نموده است.

این اثر سرشار از مواظ و حکم و پند و اندرز در موضوعات گوناگون اخلاقی و اجتماعی است. یکی از جنبه‌های اهمیت این اثر از نظر اخلاقی، انتقادات اجتماعی ادهم است که با وجود اشتغال به وعظ، واعظان نادان و عالمان جاهل و درویشان و صوفیان بی حاصل را که از علم و دانش و تصوف به نام و لباس قناعت کرده و از معنی به صورت راضی شده بودند، مورد انتقاد شدید قرار داده و نکوهش کرده است و حتی فصلی از هدایت نامه را به این موضوع اختصاص داده است، و این گونه انتقادات در همه آثار وی به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> برای نمونه:

«ای عزیز من نه به دعوی معنی حاصل شود و نه به قال حال پیش آید و نه به لباس خدانشناس توان شد پس از تصوف و تشیخ و مولویت به نام و دعوی و شالپوشی و جبّه و دستار و گفتگو و کتابخوانی و مرید و خانقاه راضی و قانع مباش و از حال و قصّه بلعم با عورا با آن همه دانش که وی را بود و فرعون که خود و خلق وی را خدا نامیدند و از معامله مسیلمه کذاب که دعوی پیغمبری کرد و خود را پیغمبر خواند و انجیل دانان و توریت خوانان و از قضیه شیطان که چندین مریدان دارد و از رسم دهقانان که اکثر شال پوشانند و جاهلان قاضیان ملک روم که به عمّامه و عبا نازند عبرتی بردار اگر هستی هشیار.» (همان: گ ۱۲۳ پ)

ادهم در بیان قسمتهای اخلاقی اثر خود بسیار تحت تاثیر کتب ارجمند و گرانسنگ ابوحامد غزالی یعنی احیاء علوم الدّین و کیمیای سعادت بوده و بسیاری از مطالب را عیناً بدون ذکر نام از آن کتابها نقل کرده است.

همچنین از کتب اخلاقی پیش از خود نظیر اخلاق ناصری و اخلاق محتشمی هر دو از خواجه نصیرالدّین طوسی، مکارم الاخلاق رضی الدّین نیشابوری، اخلاق جلالی اثر جلال الدّین محقق دوانی و اخلاق محسنی از ملا حسین واعظ کاشفی، فراوان نقل مطلب نموده است. بخش ششم هر فصل، نویسنده که از قریحه و ذوق شعری هم بهره ای داشته است، گاهی به تناسب مطلب ابیاتی به فارسی سروده است که هر چند در بیشتر موارد اشعاری سست و سخیف به نظر می رسد، اما برخی موارد حاوی مضامین عالی اخلاقی و اجتماعی است. ادهم غیر از اشعار خود<sup>۲</sup>، اشعاری از بزرگان ادب گذشته چون سنایی، نظامی، خاقانی،

۱ - نگر: دیگر آثار وی از جمله: رسائل فارسی ادهم خلخالی (مشمول بر چهارده رساله در عقاید و اخلاق و عرفان)، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران ۱۳۸۱، صص ۷۰۶-۷۰۳، ۲۸۳-۲۸۲، ۲۵۱. همچنین: کدو مطبخ قلندری، به اهتمام احمد مجاهد، سروش، تهران ۱۳۷۰، ص ۸۱، ۶۱.

۲ - اشعاری که در پایان فصول هدایت نامه آورده شده سراینده اش نامعلوم است و در هیچ یک از دیوانها و آثار چاپی منظوم گذشتگان یافت نشد، اما با توجه به اینکه مضمون این اشعار تکرار مضمون نثر کتاب است و نیز با مقایسه این اشعار با سبک شعری دیگر آثار ادهم همچون بهارستان (دیوان اشعار)، احتمالاً سراینده آنها خود مؤلف باشد.

مولانا، سعدی، حافظ، جامی، شیخ محمود شبستری، قاسم انوار و... و نیز از شاعران همعصر خود نقل کرده است که زیبایی و گیرایی این اثر را چندین برابر کرده است. از میان شاعران گذشته مخصوصاً تأثیر حکیم سنایی و مولانا در این اثر نمایان‌تر است و از شاعران همعصر خود نیز بیشتر به شیخ بهایی نظر داشته است. ادهم علاوه بر اینکه بسیاری از ابیات مثنوی معنوی مولانا و حدیقه‌الحقیقه سنایی غزنوی را در لابلای متن اثرش گنجانیده است، بسیاری از مضامین و حکایات این دو کتاب ارجمند را نیز به صورت نثر بیان کرده است.

نمونه اشعار وی :

« به شب بیدار باش ای مرد هشیار  
ترا خود خواب غفلت کرده بی‌تاب  
بود آب حیات اندر شب تار  
چرایبی خفته همراهان برفتند  
به شب بتوان ره و منزل بریدن

که شب بیداری آمد کیش و پندار  
می‌فزا خواب دیگر بر سر خواب  
به طاعت آب خورزان آب بسیار  
بشو بیدار و بشنو از من این پند  
به روز از پس دگر نتوان رسیدن »

(همان: گ ۱۴۰ پ)

یکی از جنبه‌های اهمیت این اثر (هدایت نامه) از لحاظ ادبی این است که در این اثر به ابیاتی از شاعران بزرگ گذشته استشهد نموده است که آن ابیات را در هیچ یک از نسخه‌های خطی چاپ شده آثار آن شاعران (و یا حتی نسخه بدلهای آن) نمیتوان یافت، بعنوان مثال در هدایت نامه دو بیت با تخلص سعدی آورده است که اگر این ابیات واقعاً از شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بدانیم، در هیچیک از نسخ خطی چاپ شده آثار وی آنها را نمی‌یابیم، این دو بیت در هدایت نامه بدین گونه آمده است :

بگو که میشنوم آنچه گفته‌ای سعدی ! چه شد که میشنوی چون سخن نمیشنوی؟

(همان: گ ۱۱۶ پ)

و دیگری :

به ترسایان امانت هست و در مانیست، ای سعدی ! محمد بهتر از عیسی، مسلمان کمتر از ترسا

(همان: گ ۱۴۴ ر)

ادهم مردی بسیار خوان بوده و این مطلب از استشهدهای فراوان وی به آثار منظوم و منثور پیشینیان پیداست. به سبب دل بستگی که به شیخ بهایی داشته و نیز سنخیت فکری که میان خود و او می‌دیده است از سخنان منظوم و منثور وی فراوان شاهد آورده و به آثار او استناد کرده است. از سر همین اعتقاد که به شیخ بهایی داشته، رساله اعتقادات امامیه او را شرح کرده و بعضی آثار خود را نیز، به تقلید از او نگاشته است.

وی ابوحامد غزالی را نیز همچون همعصر خود، شیخ شهید قاضی نور الله شوشتری (م ۱۰۱۹ ه.ق)، «شیعی و مستبصر» می‌شمارد و «عالم معالم دین و عارف معارف یقین» می‌خواند.

### تنوع موضوعات :

مضامین و موضوعات فصول هدایت نامه بسیار متعدّد و متنوّع است و بطور کلی میتوان آنها را در چند دسته طبقه بندی نمود :

۱. امر به فضایل اخلاقی و اجتماعی مانند : حلم و خلق نیکو ، احسان به والدین ، ضیافت و مهمانداری ، قرض الحسنه دادن ، انفاق و سخا ، ریاضت و کم خوردن ، سفارش یتیم ، و نهی از رذایل اخلاقی مانند : ظلم ، تکبر ، رباخواری ، شرابخواری و قماربازی ، غیبت ، ریا و جاه طلبی.

۲. مباحث عرفانی مانند : توکل ، شکر ، تفویض ، استقامت ، توبه ، فقر ، استغفار ، تقوی ، صبر ، رضا ، بیان مقام جمع و فنا ، مراقبه و محاسبه ، ذکر ، مبارزه با نفس و مذمت دنیا .

۳. تفسیر مفاهیم قرآنی مانند : بیان حروف مقطعات قرآنی ، ولایت ، عبادت ، معراج ، شرح و تأویل مشارق و مغارب ، اصناف ثلاثه اهل محشر ، تحقیق بحرین ملتقیین ، بیان مسوختات و افواج انام در روز قیامت ، نجدین ، کفران و ظلومی و جهولی انسان ، اهل شفاعت و مستحق آن ، کرام الکاتبین ، تحقیق کوثر و بعث و معاد .

۴. بیان قصص قرآنی مانند : قصه اصحاب کهف و رقیم ، اصحاب فیل ، اصحاب اخدود ، قصه ابولهب و زن وی و قصه بهشت شداد .

۵. ستایش اهل بیت - علیهم السلام - و بیان فضایل امیرالمؤمنین علی - علیه السلام .

۶. داستان آفرینش و بیان عجایب خلقت مانند : خلقت انسان و بدایت و نهایت عمر وی ، آفرینش شتر ، زنبور عسل .

۷. سفارش به انجام فرایض و مستحبات دینی مانند : نماز ، زکات ، حج ، دعا ، پاک داشتن جامه و تن ، صلوات ، فضیلت روز جمعه .

### روش ادهم در نقل مطالب :

۱. گاهی ادهم بدون ذکر نام یک کتاب ، بخش زیادی از آن را اقتباس نموده و عیناً در هدایت نامه آورده است . در این مورد بیش از همه آثار دیگر ، از تفسیر منهج الصادقین ، ملّا فتح الله کاشانی (م ۹۸۸ ه.ق) اخذ مطلب نموده است . برای نمونه در

تفسیر معنی امانت در آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ إِلَى آخِرِهِ» (الأحزاب/۷۲) عیناً بخشی از تفسیر منهج الصادقین را به هدایت نامه خویش انتقال داده است. اما بیان این نکته لازم است که این گونه نقل مطالب دیگران در آثار خود در زمان گذشته امری متداول بوده و این امر را داخل سرقت و انتحال نمیتوان شمرد.<sup>۱</sup>

۲. نقل مطالب با ذکر نام کتاب، بدون ذکر نام مؤلف، برای نمونه از کتابی با نام زهره<sup>۲</sup> الرياض بدون ذکر نام مؤلف حکایتی نقل کرده است. (همان: گ: ۱۲۵ پ)

۳. نقل مطلب با ذکر نام مؤلف و بدون ذکر نام کتاب، ادهم در پاره ای از موارد نظر به اعتبار عام یک دانشمند مطلبی را از وی در هدایت نامه نقل میکند. به عنوان نمونه گاهی از خواجه نصیرالدین طوسی با عنوان محقق طوسی و نیز از خواجه عبدالله انصاری با عنوان شیخ الاسلام و یا از قاضی بیضاوی بدون ذکر نام کتابهایشان نقل قول کرده است.

۴. وی گاهی مطلبی را با ذکر نام مؤلف و کتاب نقل کرده است، به عنوان مثال از تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی یا فتوحات مکیه محیی الدین ابن عربی مطلب آورده است. لازم به ذکر است که ادهم در بسیاری از موارد در نقل مطالب جانب امانت را رعایت کرده و نام منبعی را که از آن استفاده کرده، آورده است.

### اهمیت منابع هدایت نامه :

یکی از جنبه‌های اهمیت این کتاب ذکر نام کتابهایی است که امروزه یا نسخه‌ای از آنها باقی نمانده یا هنوز به درستی در فهرست‌ها شناسانده نشده اند یا نسخه های چاپی آنها کم یابند. ادهم بسیاری از کتب گذشتگان را از قدیم ترین روزگار تا روزگار خود دیده و خوانده است. وی در هدایت نامه نام بسیاری از این کتابها را آورده است. در اینجا ضمن بر شمردن نام این کتب و مؤلفان معرفی شده در هدایت نامه، به شرح مختصر در مورد آنها بسنده میکنیم:

۱. بیان احوال بایزید : در فصلی با عنوان «احسان به والدین» (همان: گ: ۷۱ ر) به مناسبت موضوع از کتابی با این نام، حکایتی از بایزید نقل شده است. این کتاب اثری گمنام از مؤلفی ناشناخته است، که با توجه به تحقیقات بعمل آمده، نه تنها چاپ نشده، بلکه در فهرستهای نسخ خطی نامی از این کتاب نیست و در منابع بایزید شناسی از جمله کتاب

۱ - مرحوم استاد جلال الدین همایی در مقدمه کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی می نویسد: «بیشتر اقتباسها را که نویسندگان قدیم از روی کتب دیگر داشته اند به دلایلی که شرحش از موضوع سخن ما خارج است، داخل سرقت و انتحال نمی توان شمرد بلکه بر اعتبار سند و شهرت گوینده اصل می داند.» (مقدمه التفهیم، همایی: صص ما و مب)

التور فی کلمات ابی طیفور اثر محمد بن علی سهلگی (؟۴۷۷-۳۸۱ه.ق) و یا کتاب دستور الجمهور فی مناقب سلطان العارفین ابو یزید طیفور اثر احمد بن حسین خرقانی (قرن ۸ ه.ق) این حکایت نیامده است.<sup>۱</sup>

۲. بحرالحقایق: این کتاب، نام کاملش بحرالحقایق والمعانی فی تفسیر سبع المثانی می باشد، که متأسفانه هنوز به صورت نسخه خطی باقی مانده و چاپ نشده است. دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی در تعلیقات کتاب مرموزات اسدی درزممورات داودی، با استقراء در نسخه های این کتاب (بحرالحقایق) به این نتیجه رسیده اند که این تفسیر که التأویلات النجمیه نیز خوانده شده است، از آن نجم الدین رازی (م ۵۶۵ ه.ق) است و برای اثبات این مدعا دلایلی آورده اند. (تعلیقات مرموزات اسدی در زممورات داودی، تصحیح شفیعی کدکنی: صص ۲۳۸-۲۴۴)؛

۳. شرح باب حادیعشر مولانا خضر: نام نویسنده این اثر شیخ نجم الدین خضر بن شمس الدین محمد الحبلرودی است از علمای قرن نهم ه.ق است و صاحب الذریعه دو اثر از وی در موضوع شرح باب حادی عشر نام برده است: ۱- شرح الباب الحادی عشر، موسوم به جامع الدرر ۲- مفتاح الغرر لفتح باب الحادی عشر (مصنفات شیعه، آصف فکرت، ج ۵: ص ۴۱)؛

۴. عین المعانی (فی تفسیر سبع المثانی): اثر تاج الدین ابو حنیفه محمد بن طیفور سجاوندی (م ۵۶۰ ه.ق)؛

۵. تفسیر خواجه پارسا: از جمله تفاسیر عرفانی فارسی قرن نهم ه.ق است و نویسنده آن شیخ محمد بن محمود بخاری معرف به خواجه پارسا (م ۸۲۲ ه.ق)، تفسیر ظاهری و باطنی را جمع کرده است. بخش باطنی آن از تفسیر سلمی گزیده شده است. نسخه ای از آن که در سال ۸۴۸ ه.ق به خط ملّا جامی استنساخ شده به شماره ۷۲ در کتابخانه مراد ملّا (ترکیه) موجود است<sup>۲</sup> (مکتب تفسیر اشاری، آتش، ص: ۲۰۸)؛

۱- این حکایت در هدایت نامه بدین گونه آمده است: «در کتاب بیان احوال بایزید مرقوم است که چون بایزید در دبیرستان بدین آیه رسید، از استاد رخصت طلبیده، به نزد مادر شد و گفت: ای مادر مهربان ملک منان مرا به عبادت خود و خدمت توامر کرده است و من، حسب الاستدعاء و خَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا و به مقتضای و اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا از عهده شکر دو منعم، بیرون نتوانم آمد و به عبادت و خدمت دو معبود و دو مخدوم، قیام نتوانم نمود. پس اسقاط حقوق خود از رقبه من بکن و ابراء ذمّه من از آن بنما و مرا به خدا بگذار یا از خدای درخواه که از تقصیر من بگذرد و مرا به تو باز گذارد و تا آنچه توانم از خدمت تو شکسته بسته بجا آرم.» مادرش گفت: خدا گواه باشد که حقوق خود بر تو بخشیدم و ترا به خدا باز گذاشتم و سپردم. پس برفت و بگرد، آنچه توانست و بشد، آنچه می بایست.»

۲- از این تفسیر نسخه ای نیز در تاشکند که شامل سوره حمد و سوره های ۹۷ تا ۱۰۴ قرآن می باشد نیز موجود است. (فهرست نسخ خطی فارسی انستیتو شرق شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان، موجانی: ص ۲۱۸۰)

۶. **لوامع** : ادهم در تفسیر آیه امانت ، جمله ای عرفانی از کتابی به این نام نقل کرده است ، اما نام نویسنده آن را بیان نکرده است ، این کتاب که در تفسیر مواهب علیه کاشفی و منهج الصادقین ملا فتح الله کاشانی از آن نام برده شده ، به نظر می رسد که اللوامع ابوسعید خرگوشی نیشابوری ( م ۴۰۷ ه.ق) از محدثین و فقهای صوفی مشرب قرن چهارم باشد که در موضوع تصوف نگاشته شده است و تا کنون اثری از آن در کتابخانه ها یافت نشده است (یادگار طاهر، طاهری عراقی:صص ۵۷-۲۸) و ادهم در اربعین خود به نام این مؤلف اشاره نموده است (نسخه خطی اربعین ، خلخالی:گ:۱۷پ) ؛

۷. **تأویلات** : در هدایت نامه عبارتی از صاحب تأویلات نقل و نامی از نویسنده آورده نشده است که همان مطلب ، عیناً در تفسیر منهج الصادقین از قول تأویلات کاشی نقل شده است. بنابراین می توان حدس زد که مؤلف این کتاب عبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۰ یا ۷۳۵ ه.ق) است<sup>۱</sup> ؛

۸. **زهرة الرياض** : از این کتاب بدون ذکر نام نویسنده ، حکایتی در مورد حامد لؤاف (م ۲۶۶ ه.ق) نقل می کند. نگارنده پس از بررسی فهرستهای کتب خطی و چاپی ، سه کتاب به این نام یافت که عبارتند از : ۱- زهرة الرياض و نزهة المرتاض از منصور بن محمد بن محمد بن عبد بن ابی صبح شنبکی اسدی (؟) ۲- زهرة الرياض و نزهة القلوب المراض (نوشته ۱۰۳۳ ه.ق) از سلیمان بن داود سقسینی (یا سواری یا سبتی یا تیسینی) که معرب کتاب بهجه الانوار اوست که به فارسی در مواعظ تألیف شده است. ۳- زهرة الرياض و نزهة المرتاض اثر جمال الدین احمد بن موسی بن طاووس حلی ( م ۶۷۳ ه.ق ) که حکایت مذکور در آن یافت نشد (مصنفات شیعه، آصف فکرت، ج ۴:صص ۱۵۳-۱۵۲) ؛

۹. **احقاف** : ادهم چندین بار از این کتاب بدون نام مؤلف نقل مطلب نموده و در تفاسیر مختلف از جمله مواهب علیه کاشفی نام این کتاب بدون نام مؤلف آمده است ، اما استاد جلالی نایینی مصحح مواهب علیه اطلاعی از مؤلف آن بدست نیاورده است . در کتاب کشف الظنون از مؤلف الاحقاف به نام ابوالقاسم بن یوسف حسینی یاد شده است، (کشف الظنون ، حاجی خلیفه، ج ۲:صص ۱۳۸۶) ؛

۱۰. **لباب** : کتابی که با این نام از آن در هدایت نامه نقل مطلب شده است احتمالاً کتاب لباب التفاسیر تألیف تاج القراء حمزه بن محمود کرمانی (م پس از ۵۰۰ ه.ق) است که در مواهب علیه کاشفی نیز چندین بار نام آن آمده است .

۱ - مؤید این مطلب این است که ادهم در ذکریه الهیه حکایتی از این کتاب نقل کرده است . (رسائل فارسی ادهم خلخالی، نورانی ، ج ۱:ص ۴۴۶) و این کتاب با عنوان تأویلات القرآن در سال ۱۲۸۳ ه.ق در مصر چاپ شده است . (مکتب تفسیر اشاری، آتش، ص: ۲۰۰)

نکته دیگر در بیان منابع و مأخذ هدایت نامه این است که گاه ادهم نام کتابها را به صورت خلاصه آورده است. مثلاً از تأویلات نجمیه با عنوان تأویلات و از تفسیر معالم التنزیل با عنوان معالم نام برده است و از تفسیر لباب التفاسیر را لباب نامیده است. و این روش ذکر مأخذ باعث ایجاد مشکلاتی در شناخت منابع این کتاب و تشخیص آن از کتب همنام این منابع شده است.

### سبک نگارش ادهم خلخالی :

سبک نگارش نویسنده در هدایت نامه ساده و روان و دلپذیر است و غیر از مقدمه کتاب که کمی مصنوع نگاشته شده است در بقیه موارد از پیچیدگی و عبارت پردازی دوری کرده است. استاد سعید نفیسی نام وی را در زمره ساده نویسان عصر صفوی آورده است. (تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، ج ۲: ص ۷۰۱) ادهم که خود اهل منبر و خطیبی توانا بوده - این مطلب از لقب واعظ که همراه نام اوست، پیداست - چنانکه شیوه اهل منبر است و همانگونه که در بالا اشاره رفت، به ذکر احادیث و روایات و امثال و حکم و سرگذشت بزرگان دین و تصوف می پردازد. از میان صناعات ادبی آنچه بیش از همه در این اثر جلب توجه میکند، صنعت تشبیه است که بیشتر در شکل اضافات تشبیهی، بکار رفته است. نثر این دارای همان ویژگیهای سبکی نثر دوره صفویه است که عبارتند از: کاربرد لغات و ترکیبات عربی و ضرب المثلهای و عبارات عربی، ترکیبات عربی خام، مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی، سجع های متوالی و مترادفات پیایی، تتابع اضافات، جملات طولانی، از بین رفتن مختصات زبانی پارسی کهن، جمع بستن کلمات فارسی به قواعد عربی و اشتباه در نگارش کلمات مانند: «مشقول» بجای «مشغول» و «گذاردن» بجای «گزاردن» و در آمیختگی نظم و نثر و آوردن شعرهای سست که غالباً اثر طبع خود مؤلف است. (سبک شناسی، بهار، ج ۳: ص ۲۵۵)

### نمونه نثر :

در پایان برای آشنایی بیشتر با سبک این اثر، نمونه ای از نثر آن را در اینجا می آوریم :  
«...ای عزیز من اگر تو نیز خدای را دوست داری روا مدار که نفس اماره و شیطان نادان با لشکر اوصاف ذمیمه و سپاه اعمال قبیحه این همه فساد و ناشایسته در مملکت دل و ولایت دین آغاز کنند و پیش برند پس نوح عقل را به درگاه باری به زاری درآر تا طوفان محو و فنا برخیزد و آن کفار باطنی همگی هلاک شوند و تو خود با جمیع مؤمنان اخلاق حمیده و افعال پسندیده در کشتی توکل که از درخت تقوی ساخته باشی نشسته سلامت

مانی و چون آن طوفان فرو نشیند کیوتر عشقت خیر خشکی که بقای بعدالفنا باشد باز آرد...» (هدایت نامه، نسخه کتابخانه عبدالحمید مولوی: گ ۱۳۶ پ)

### فهرست منابع:

- ۱- آتش، سلیمان. (۱۳۸۱). *مکتب تفسیر اشاری*. ترجمه توفیق هـ سبحانی، چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲- استادی، رضا. (۱۳۷۱). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران، تهران: کتابخانه مدرسه مروی*.
- ۳- افشار، ایرج. (۱۳۷۶). *فهرست مقالات فارسی*. ۶ جلد. فهرست موضوعی تحقیقات و مطالعات ایران شناسی تا سال ۱۳۷۶. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (بخش کتابخانه).
- ۴- افشار، ایرج و دانش پژوه، محمد تقی. (۱۳۷۵). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مکی ملک وابسته به آستان قدس رضوی*. ۱۰ جلد. تهران: کتابخانه ملک.
- ۵- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۵). *سبک شناسی (تاریخ تطوّر نثر فارسی)*. جلد ۳. چاپ هفتم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۶- بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد بن احمد. (۱۳۸۶). *التفهیم الاوائل صناعه التنجیم*. تصحیح جلال الدین همای. چاپ پنجم. تهران: هما.
- ۷- *جامع الاخبار*. (۱۳۸۲ ق). *قدّم لها وعلّق علیها و آخرجها حسن المصطفوی*. طهران: مرکز نشر کتاب.
- ۸- *حدود العالم من المشرق الى المغرب*. (۱۳۸۳). مقدمه بار تولد، تعلیقات مینورسکی، ترجمه میر حسین شاه، تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام. چاپ دوم. تهران: دانشگاه الزهراء.
- ۹- الخرقانی، احمد بن حسین بن الشیخ. (۱۳۸۰). *دستورالجمهور فی مناقب سلطان العارفين ابو یزید طیفور*. تصحیح محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب.
- ۱۰- خلخالی، ادهم. (۱۳۸۱). *رسائل فارسی* (مشمتمل بر چهارده رساله در عقاید و اخلاق و عرفان). جلد اول. به اهتمام عبدالله نورانی. چاپ اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۱- ----- (۱۳۷۰). *کدو مطبخ قلندری*. به اهتمام احمد مجاهد. چاپ اول. تهران: سروش.
- ۱۲- ----- (۱۳۶۶ ق). *هدایت نامه (+سفینه السلوک)* دست نویس شماره ۲۴۹. کتابخانه عبدالحمید مولوی (دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد).
- ۱۳- ----- (۱۳۷۲ ق). *هدایت نامه*. دست نویس شماره ۴۶۶۸. کتابخانه مکی ملک.
- ۱۴- ----- (۱۳۶۱ ق). *اربعین*. دست نویس شماره ۱۴۸/۲. کتابخانه حضرت عبدالعظیم (ع).
- ۱۵- دولت آبادی، عزیز. (۱۳۵۵). *سخنوران آذربایجان*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

- ۱۶- رازی، نجم الدین. (۱۳۸۱). *مرموزات اسدی در مزمورات داودی*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، ویرایش دوم. تهران: سخن.
- ۱۷- سنایی غزنوی، محدود بن آدم. (۱۳۸۳). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*. تصحیح سید محمد تقی مدرس رضوی. چاپ ششم. تهران: موسسه و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- سهلگی، محمد بن علی. (۱۳۸۸). *آلنور* (دفترروشنایی). ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم. تهران: سخن.
- ۱۹- سعدی شیرازی، مصلح الدین. (۱۳۲۷ ه.ق). *کلیات*. چاپ سنگی. چاپخانه مظفری. خط نستعلیق.
- ۲۰- ----- (بی تا). *کلیات*. مطبع نامی گرامی اسلامی. خط نستعلیق.
- ۲۱- ----- (۱۳۲۲ ه.ق). *کلیات*. کاتب احمد بن حسین. خط نستعلیق.
- ۲۲- شاملوی هروی، ولی قلی بیگ. (۱۳۷۴). *قصص الخاقانی*. تصحیح سید حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۳- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد ۳/ ۵ و جلد ۵/ ۱. چاپ دوم. تهران: فردوسی.
- ۲۴- الطهرانی، حاج شیخ آقا بززرگ. (۱۴۰۳ ه.ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. جلد ۹ و ۱۸. بیروت: دارالاضواء.
- ۲۵- ----- (۱۳۷۶). *مصنفات شیعه*. ترجمه و تلخیص الذریعه الی تصانیف الشیعه محمد آصف فکرت. چاپ اول. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۶- طاهری عراقی، احمد. (۱۳۸۲). *یادگار طاهر* (مجموعه مقالات). چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۷- فاضل، محمود. (۱۳۶۶). *فهرست نسخه های خطی دانشکده الهیات و معارف اسلامی* مشهد. ۳ جلد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۲۸- کاشانی، ملّا فتح الله. (۱۳۴۷). *تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. با مقدمه و پاورقی و تصحیح ابوالحسن شعرانی. چاپ چهارم. ده جلد در پنج جلد. تهران: کتاب فروشی اسلامیّه.
- ۲۹- کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین. (۱۳۱۷). *مواهب علیه* (تفسیر حسینی). با تصحیح و مقدمه وحاشیه نگاری سید محمد رضا جلالی نایینی. چهار جلد. تهران: کتابفروشی و چاپخانه اقبال.
- ۳۰- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره های فارسی*. جلد اول. تهران: سنایی.
- ۳۱- مشار، خان بابا. (۵۵-۱۳۵۰). *کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا سال ۱۳۵۵*. پنج جلد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۲- معین، محمد. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*. جلد ۵. چاپ نهم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۳۳- منزوی، احمد. (۱۳۴۸). *فهرست نسخه های خطی فارسی*. تهران: موسسه فرهنگی منطقه ای.

- ۳۴- ----- (۱۳۸۶). *فهرستواره کتابهای فارسی*. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (بخش کتابخانه).
- ۳۵- موجانی، علی (زیر نظر) و دیگران. (۱۳۷۸). *فهرست نسخ خطی فارسی انستیتو شرق شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان*، قم: تاشکند: انستیتو شرق شناسی ابوریحان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ۳۶- مولوی، جلال الدین. (۱۳۸۴). *مثنوی*. هفت جلد. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد استعلامی. چاپ هفتم. تهران: سخن.
- ۳۷- مهدوی، سعید مصلح الدین. (۱۳۸۶). *اصفهان دارالعلم شرقی (مدارس دینی اصفهان)*. تصحیح، تحقیق و اضافات محمد رضا نیلفروشان. چاپ اول. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۳۸- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران تا پایان سده دهم*. جلد دوم. تهران: کتابفروشی فروغی.
- مقاله:
- ۱- جهانبخش، جويا. (۱۳۸۷). «بابا رتن هندی و مآثورات اخلاقی ما»، *آینه میراث*. دوره جدید/سال ششم. شماره اول. بهار. (پیاپی: ۴۰). ۸۱-۸۰